

# مدل مطلوب سیاست‌های فرهنگی ایران در چین با آینده‌نگری نظام سیاسی جمهوری خلق چین

هادی حق‌پرست<sup>۱</sup>

## چکیده

بنابر فرضی جدی در سیاست بین‌الملل، چین در سال‌هایی نه چندان دور بر کرسی ابرقدرتی جهان تکیه خواهد زد. جمهوری اسلامی ایران نیز تلاش دارد تا قدرت خود را در منطقه خاورمیانه تثبیت کند، که برای این مهم لازم است تا با یک قدرت جهانی متحد شود. به نظر چین با یک راهبرد درست و منطقی در قالب چارچوب‌های سیاست خارجی ایران، که قطعاً پیشانی این راهبرد نیز دیپلماسی و روابط فرهنگی خواهد بود، می‌تواند هدف، شریک و هم‌پیمان بین‌الملل خوب و قابل اعتمادی باشد. به‌خصوص در حوزه فرهنگی نیز تحت هر شرایطی، چین به دلیل جمعیت قابل توجه خود پروژه‌های موفق برای دیپلماسی فرهنگی ایران محسوب می‌شود و ایران نیز بنا به سنت‌های تاریخی، تمدنی و هنری خود فرصت‌های بسیاری در این حوزه پیش‌رو دارد. فرض ما در پژوهش حاضر به این ترتیب است که ایران و چین براساس روابط تمدنی مشترک خود با یکدیگر در طول تاریخ، در حال حاضر می‌توانند در مناسبات بین‌المللی بعنوان یک قدرت جهانی و منطقه‌ای با یکدیگر اقدامات مثبت و تعاملات سازنده‌ای را به نمایش بگذارند. لذا در این مقاله تلاش شده است تا ضمن بررسی شناخت آینده سیاسی چین، بوسیله روش تحقیق کیفی و کاربردی، با رویکردهای فرهنگی، علمی، رسانه‌ای، سیاسی و گردشگری مدلی مطلوب برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری خلق چین ارائه کند.

واژگان کلیدی: مدل مطلوب، ایران، چین، سیاست خارجی، دیپلماسی فرهنگی

## مقدمه

فرهنگ و اشتراکات یا اختلافات آن در جهان امروزه یکی از عوامل مهم تقسیم‌بندی کشورها و مناطق جهان محسوب می‌شود و عاملی برای وحدت یا همگرایی و اختلاف یا واگرایی کشورهاست. لذا دولت‌ها با دیپلماسی فرهنگی تلاش دارند تا روابط سازنده‌ای را با متناظرین خود رقم بزنند و به نقاط اشتراک فرهنگی برای تأمین منافع ملی دست یابند. دیپلماسی فرهنگی مطلوب، بهترین نوع دیپلماسی و اوج صلح‌آمیز بودن و نزدیکی دو کشور است. روابط سیاسی و اقتصادی بنا به نیاز و ضرورت یک یا چند کشور در نسبت همدیگر برقرار خواهد شد و در بسیاری از مواقع ممکن است ملت و حتی دولت‌ها به یکدیگر نگاه و تصور مثبت و قابل اعتمادی نداشته باشند، اما وقتی که دو یا چند کشور روابط فرهنگی مناسبی باهم دارند، قطعاً پیشینه و بینش قوی و قابل ملاحظه‌ای داشته و به این ترتیب سطح روابط جدی و نزدیک ارزیابی می‌گردد.

استفاده از ابزار دیپلماسی فرهنگی در تاریخ ایران سابقه طولانی دارد و ایرانیان از طریق روابط فرهنگی و تجاری به گسترش اسلام در آسیای مرکزی، شرق آسیای مرکزی و شرق آسیا مبادرت ورزیدند. امروزه به باور بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران فرهنگ و مولفه‌های فرهنگی یک رکن اصلی در روابط بین کشورها و در دیپلماسی بین‌المللی محسوب می‌شود (ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۸).

تقویت دیپلماسی فرهنگی بهترین راهبرد برای دفع چالش‌های میان روابط ایران و چین محسوب می‌شود. اما از آنجا که چین نظامی دموکراتیک ندارد، دیپلماسی فرهنگی در قبال چین قطعاً بطور کامل در چارچوب دیپلماسی عمومی تعریف نشده و می‌بایست رویکردهای نخبگانی و سنتی دیپلماسی را مدنظر قرار گیرد.

## ۱- مولفه‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در چین

### ۱-۱- توجه به تاریخ معاصر چین برای سیاستگذاری

بدون تکیه بر تجارب تاریخی نمی‌توان پیشاپیش به تحلیل و ارائه نظریه‌ای درباره روابط بین‌الملل مبادرت کرد، زیرا تکرار برخی از رویدادهای تاریخی محقق را وا می‌دارد تا به طبقه‌بندی انواع مختلف روابط سیاسی بپردازد و راه را برای استخراج ویژگی‌های عمومی رفتار دولت‌ها هموار کند (قوام، ۱۳۹۵: ۲۹۴). لذا در روابط بین‌الملل برای اتخاذ تصمیم منطقی و مطلوب، افراد تصمیم‌گیرنده باید از اطلاعات و شناخت کافی برخوردار باشند، زیرا اساساً تصمیمات درست براساس اطلاعات درست و موثق گرفته می‌شود. اما تاکنون سیاست و راهبردهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در قبال چین با استناد به اطلاعات و منابع دقیق و کافی اتخاذ نشده است، چراکه دانشگاه‌هایی مانند دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران رشته تحصیلات تکمیلی مطالعات چین نداشته و همچنین در میان مراکز تحقیقاتی و پژوهشی کشور، هیچکدام بطور متمرکز بر حوزه‌های مختلف چین پژوهش نمی‌کنند. به

این ترتیب آنچه که باید پژوهش‌های تصمیم‌ساز در نسبت با چین به دنبال آن تلاش و ارائه کنند، شناخت نسبت به چین و روابط آن در کنار ظرفیت‌های موجود برای دو کشور است.

### ۱-۲- چین‌شناسی با رویکرد تاریخی

تاریخ امپراطوری در چین به ۴۰۰۰ سال قبل باز می‌گردد. امپراطوری چین کهن‌ترین و بزرگ‌ترین تمدن مستمر جهان به شمار می‌آید. چای، کاغذ، رستوران، بستنی و باروت ابتدا در چین کشف و طرح شد (عالم، ۱۳۷۸). در میانه قرن نوزدهم، امپراطوری چین توسط بریتانیا مورد تهدید و هجوم قرار گرفت و برای اولین بار بطور جدی با خارج از قاره آسیا درگیر شد. در ۱۸۵۰ چین از بریتانیا شکست خورد و تحت اختیار بریتانیا، فرانسه، ژاپن و روسیه درآمد. این وضع تا ۱۹۴۹ ادامه داشت که البته در این مدت تلاش‌هایی توسط چینی‌ها صورت گرفت، اما به نتیجه نرسید.

چین همچون ایران انقلاب ایدئولوژیکی (۱۹۴۹) را پشت سر گذاشته که در آن انگیزه‌های ملی‌گرایانه‌ای دیده می‌شود. مائو بعنوان رهبر انقلاب کمونیستی چین نسبت به مسائل و فضای بین‌الملل نگاهی ایدئولوژیک داشت. او معتقد بود که نادیده گرفتن حاکمیت چین در سیاست بین‌الملل و تهاجم به فرهنگ و تمدن آن، باعث تحقیر ملت و دخالت‌های امپریالیستی در آن و در نهایت تضعیف هرچه بیشتر چین شده بود. مائو سازمان‌های بین‌المللی را در خدمت قدرت‌های بزرگ می‌دید که منافع سایرین را نادیده می‌انگارد. لذا چین در آن مقطع از مشارکت در نهادهای بین‌المللی و سرمایه‌داری امتناع می‌ورزید (کیسینجر، ۱۳۹۸).

اما با روی کار آمدن دنگ شیائوپینگ و نسل دوم رهبران، وضع در چین تغییر کرد. او درک متفاوتی نسبت به فضای بین‌الملل داشت و استدلال می‌کرد که چین برای قدرتمندتر شدن، باید تبدیل به یک بازیگر فعال بین‌المللی شود، دستگاه دیپلماسی آن منافع چین را دنبال کند، زمینه رشد حداکثری را فراهم آورد و در این مقصود خود نیز باتوجه به تغییر وضع اقتصاد در چین موفق بوده؛ که با تکمیل اقدامات او توسط جیانگ زمین، چین تبدیل به یک کشور قدرتمند سیاسی و اقتصادی در جهان و یک بازیگر فعال و تأثیرگذار شده است. به این ترتیب موفقیت در دیپلماسی توسط رهبران بعد از نسل اول انقلاب برای چین به دست آمد و آنان معتقد بودند که توسل به جنبه‌های مختلف قدرت و امنیت می‌تواند از امنیتی شدن قدرت رو به رشد چین ممانعت نموده و استراتژی توسعه صلح‌آمیز را موفقیت‌آمیز کند (افشین شامیری، ۱۳۹۷).

چین نخست تصمیم گرفت که استراتژی کلان آن توسعه صلح‌آمیز باشد و سایر اهداف، منافع ملی و به دنبال آن دوست و هم‌پیمانان او هم در ذیل همین راهبرد تعریف و مشخص شود. چین به خوبی دریافته بود که در جهان امروز و بعد از فروپاشی شوروی، توسعه یافتگی بدون شعار و عمل در جهت صلح ممکن نیست. لذا روابط خود را با کشورها بنا به همین اصل تنظیم کردند. این کشور همگام با ایجاد روابط تجاری و سیاسی با

آمریکا، با سیاست‌های صلح‌طلبانه و عدم دخالت در امور داخلی کشورها در مناسبات سیاسی و اقتصادی با ایشان، ضمن دور کردن بهانه‌ها و حساسیت‌ها را از آمریکا، در اذهان دولت و ملت‌ها چهره‌ای مطلوب از خود نشان داده است؛ تا آنجا که دولت‌های جهان خواستار دخالت و حضور بیشتر چین در سیاست بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی هستند. این مهم در دیپلماسی چین با چند تصمیم و اقدام رخ داده است:

- پذیرش ساختار و قواعد کنونی در نظام بین‌الملل و بازی براساس آن؛
- عدم تلاش برای دخالت در امور داخلی کشورها و تعیین شرط و باید و نباید برای همکاری‌های اقتصادی و راهبردی با کشورهای جهان سوم؛
- عدم سعی بر تحمیل و حتی عرضه ارزش‌های سیاسی و فرهنگی خود به کشورهای آفریقایی و آسیایی؛
- تمرکز دقیق بر استراتژی‌های توسعه اقتصادی خود در جهان؛
- تکیه بر ظرفیت‌های بومی و ارزش‌های ملی و تاریخی خود؛
- شناسایی نقاط قوت و ضعف خود و جسارت مواجهه با ضعف‌ها و توان استفاده از ظرفیت‌های خود.

### ۱-۳- نظام سیاسی و جهت‌گیری اقتصادی چین

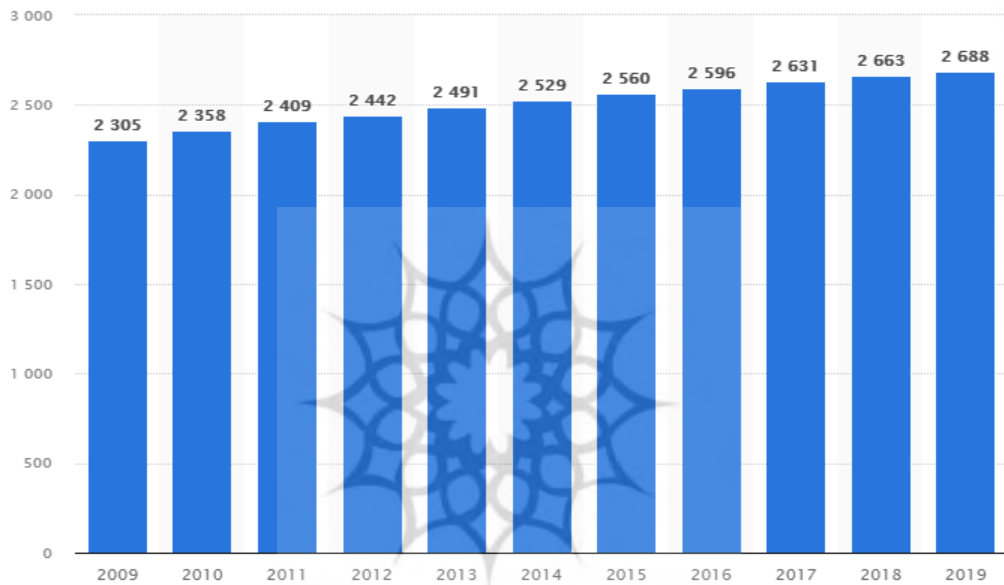
نظام حکومتی چین، «جمهوری خلق» و مبتنی بر حاکمیت مطلق حزب کمونیست است. براساس قانون اساسی، حزب کمونیست بر ارگان‌های هفت‌گانه مندرج در قانون اساسی نظارت کامل دارد. مقام ریاست جمهوری چین از نظر سلسله مراتب قدرت پس از دبیرکل حزب قرار دارد و شورای دولتی، رکن اجرایی یا در واقع همان هیأت دولت است که شامل نخست‌وزیر، ۴ نفر معاونین، معاونین نخست‌وزیر، ۵ نفر مشاورین عالی شورای دولتی، دبیرکل شورای دولتی و وزرا می‌شود (قاضی‌زاده و طالبی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۷۳). عالی‌ترین رکن قانونگذاری در چین کنگره ملی خلق است که تا پیش از تأسیس کنگره این وظایف برعهده کنفرانس مشورتی- سیاسی خلق بود.

چین دارای بسیاری از عناصر اصلی و لازم قدرت از نظر اکثر نظریه‌پردازان است. ویژگی‌های ملی مانند ایدئولوژی، میزان جمعیت، تاریخ، فرهنگ و تمدن، روحیه ملی، عوامل جغرافیایی و وسعت، اعتبار ملی و اقتصاد از جمله این موارد است. چین در حال حاضر دارای ایدئولوژی کمونیست با مدل مائوئیستی که شامل مجموعه‌ای از نظرات پیرامون زندگی، جامعه، دولت و ... است که باعث وحدت، قدرت و یکپارچه شدن چین شده است. این کشور در گذر زمان توانسته درست و در جهت بالا بردن قدرت خود از این ایدئولوژی استفاده کند و برای مثال بنا به ضرورت سال‌هاست که مدل اقتصادی بین‌الملل خود را از آن چارچوب خارج کرد. چین بواسطه ایدئولوژی خود در فضای سیاسی و فرهنگی دارای ثبات سیاسی بوده و این باعث آن می‌شود که آنها به راحتی به منافع خود دست پیدا کنند، چراکه منافع ملی هر دولتی بسته به مجموعه عواملی است

که باید دارای ثبات و یک چارچوب کلی باشد تا تغییر و چرخش قدرت میان احزاب و گروه‌ها باعث لطمه و تغییر آن نشود.

سالانه ۱۰۰ میلیون گردشگر چینی از جهان بازدید می‌کنند. براساس نمودار زیر از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۹ در چین ۳۸۲ کالج و دانشگاه دولتی تأسیس گردیده است (center of statista, 2021).

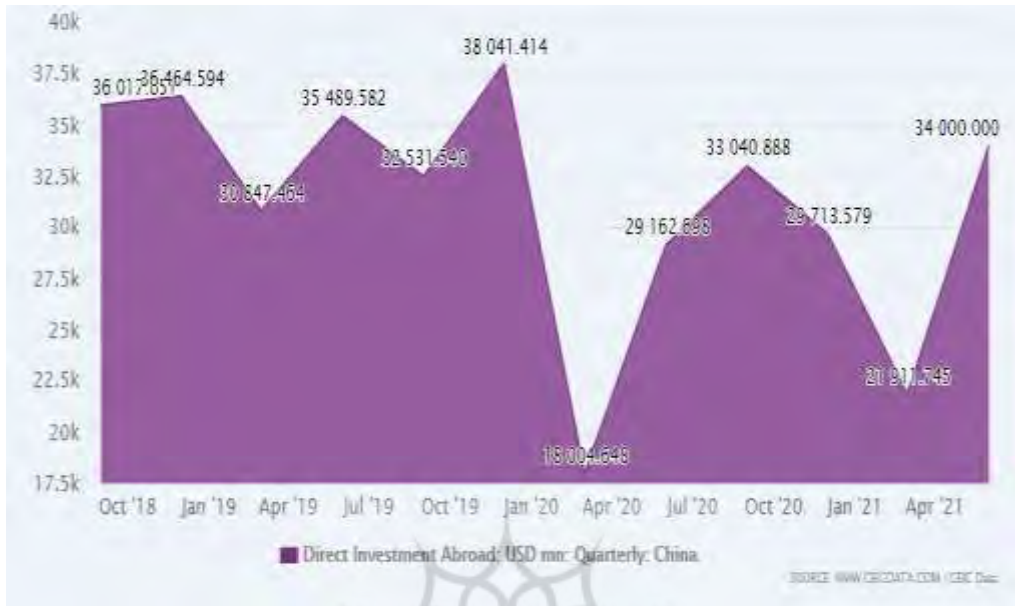
نمودار ۱) تعداد کالج‌ها و دانشگاه‌های دولتی در چین بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹



Source: hostingfacts.com

گزارش سالانه صنعت انتشارات دیجیتال چین در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که کتاب الکترونیکی از ۱ میلیون در سال ۲۰۱۳ به ۱,۷ میلیون در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است. عبارتی افزایش ۷۰ درصدی، با درآمد فروش نسبتاً مناسب از ۱۵۰ میلیون یوان در سال ۲۰۰۶ به ۴,۹ میلیارد یوان در سال (Fu, Wen and others, 2017). در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در آفریقا کرده و تقریباً در همه کشورهای آفریقایی جزء لیبی دارای سرمایه‌های کلان است. براساس پیش‌بینی بانک جهانی، در حدود سال ۲۰۳۰ نزدیک به بیش از چهل درصد از مجموع جریان سرمایه جهانی از آن چین بوده که این میزان بیش از مجموع سرمایه ایالات متحده آمریکا و اروپا خواهد بود (علمایی، ۱۳۹۴: ۲۸۴). سرمایه‌گذاری مستقیم چین در خارج از کشور در ژوئن ۲۰۲۱ به ۳۴,۰ میلیارد دلار رسید. در حالیکه در سه ماهه قبل ۲۱,۹ میلیارد دلار رشد داشت.

## نمودار ۲) گزارش سالانه صنعت انتشارات دیجیتال چین در سال ۲۰۱۶



Source: ceicdata.com

با وجود اینکه چین هنوز هم ویژگی‌های ابرقدرت‌های بزرگ و رهبری فناوری را ندارد، اما با توجه به سطح بالای تولید ناخالص داخلی آن، خود را بعنوان یک رقیب برای آمریکا مطرح می‌کند. این روند از سال ۲۰۱۰ بین این دو قدرت آغاز شده است. حضور آمریکا و چین در ویتنام، میانمار، پاکستان، تایوان و فیلیپین تقریباً برابر است. اما این رقابت در آفریقا، آمریکای لاتین، آسیای مرکزی و جنوب شرقی در حال افزایش است. هر دو قدرت به مواد اولیه و بازار این مناطق نیازمندند و با ارائه پروژه‌هایی برای توسعه، تلاش به نفوذ بیشتر دارند (Moziyas and Petr, 2019). آنچه میان چین و آمریکا در حال وقوع است، بیش از آنکه به جنگ شبیه باشد، به رقابت جدی و نزدیک شبیه است. درست است که چین، مستحکم در عرصه بین‌المللی سخن می‌گوید، اما در پی جنگ با آمریکا و غرب نیست. این کشور در پی افزایش سهم در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و جهانی است. یکی از راه‌های دستیابی به نقش موثرتر، نشان دادن استحکام بیشتر در موضع‌گیری‌ها و رفتار سیاست خارجی است (سجادپور، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

در بررسی سیر تحولات این کشور و ساختار سیاسی آن نیز مشاهده می‌شود که در چین نیز نظیر غالب کشورهای در حال توسعه، رهبران و نخبگان آن، نقش ممتازی در تعریف و تدوین اصول راهبردی، منافع ملی و آرمان‌های ملت دارند. می‌توان اذعان کرد که چین امروز تا حدود زیادی مرهون مدیریت، تدبیر، درایت و نگرش نخبگان آن است و در واقع در چین امروز نیز فضای سیاسی نه چندان تحت تأثیر توده، بلکه در

اختیار نخبگان است. بنابراین افراطی‌گری و احساسات کورکورانه سیاسی و اجتماعی کمتر به چشم می‌خورد و عمل‌گرایی، عقل‌جمعی و محوریت منافع ملی، عناصر اصلی تصمیم‌گیری در چین امروز به شمار می‌آیند (قاضی‌زاده و طالبی‌فر، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

## ۲- بسط روابط مطلوب فرهنگی در سیاست

در جهان امروز دیپلماسی به شرطی موفق و به اهداف خود دست پیدا خواهد کرد، که بتواند تولید فرهنگ و اندیشه داشته باشد، که از این جهت ایران کشوری غنی و قوی محسوب می‌شود. لذا در این حوزه آنچه که در دیپلماسی بعنوان یک هدف و همچنین برای داشتن و رقم زدن یک دیپلماسی فرهنگی موثر است، باید ضمن بالا بودن سطح توانایی فناوری ارتباطی یک کشور، فرهنگی متمدن داشت و در ادامه منطق و استدلال جهانی برای ارائه آن فرهنگ در اختیار داشت. ایران یکی از کشورهای متمدن جهانی است که از چین تا اروپا تحت تأثیر امپراطوری و تمدن آن بودند.

نماد هر کشوری فرهنگ، زبان، موسیقی و هنر آن کشور است. امروزه یک کشور در جهان بواسطه مجموعه‌ای از غذاهایی که باب میل همه ملت‌هاست، در میان مردم جهان صاحب اعتبار و نفوذ می‌شود. زبان فارسی قطعاً باید در اولویت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته باشد، اما نه بطور مستقیم به آن پرداخته یا تبلیغ شود یا صرفاً بصورت تأسیس موسسه یا کلاس آموزش زبان فارسی کفایت شود. قطعاً برای یک دانشجوی چینی یا یک شهروند، یادگیری زبان فارسی دلیل و انگیزه‌ای وجود ندارد، اما وقتی او با آثار ترجمه شده فردوسی، حافظ، خیام و حتی نویسندگان معاصرمانند نادر ابراهیمی، مرتضی آوینی و قیصر امین‌پور آشنا شود، ممکن است بواسطه جذابیت این آثار علاقه‌مند به یادگیری زبان فارسی و مطالعه ادبیات و آثار ایرانی شود.

امروزه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند گفتگوی تمدنی راهبردی را باتوجه به ظرفیت‌های تکنولوژیک و ارتباطی خود با چین داشته و جهان را تحت تأثیر این گفتمان قرار دهد. همچنین ایران می‌بایست در مقابل و مواجهه با چین از پراکندگی قدرت خود پیشگیری کرده، تمرکز و جهت‌گیری خود را به سمت و سوی دیپلماسی فرهنگی جمع‌بندی کند؛ چراکه پراکندگی اساساً موجب ضعف خواهد شد. حتماً ایران و تمدن باستانی آن برای چین جذاب و بازخوانی روابط تاریخی و تمدنی دو کشور در ادوار مختلف قابل توجه بوده و مورد استقبال طرف چینی قرار خواهد گرفت. و در گذر زمان و دراز مدت از قبال این روابط فرهنگی با چین، می‌توان به گسترش روابط، نفوذ سیاسی و اقتصادی «در» یا «با» چین فکر و برنامه‌ریزی کرد.

### ۳- رویکرد بافت‌نگر در دیپلماسی فرهنگی ایران در چین

اعمال کردن قدرت با ابزارهای نرم به دو شکل متفاوت ممکن است. در شکل اول بازیگر اعمال کننده قدرت تلاش می‌کند تا با تغییر دادن ارزش‌های جامعه هدف و دولت به اهداف خود دست پیدا کند. در اینجا بازیگر «الف» تصمیم می‌گیرد که وضع موجود و احیانا وضع مطلوب دولت هدف را تغییر دهد و نوعی مداخله در مناسبات سیاسی یا فرهنگی اجتماعی بازیگر «ب» داشته باشد، که قطعاً هدف‌گذاری دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در چین و هیچ کشور جهان به این ترتیب نخواهد بود؛ و رویکرد ما در چین با مدل دوم خواهد بود. به این ترتیب است که تلاش می‌شود از طریق ساختارهایی مانند هنجار، ارزش‌های مشترک و متوسل شدن به تاریخ و روابط تمدنی دو کشور برای تأمین منافع خود و ایجاد روابط راهبردی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اقدام کند. راهبرد یعنی مشروط ساختن رفتار خودمان به رفتار دیگران (پارمار و کاکس، ۱۳۹۰: ۷۷). ما باید در دیپلماسی فرهنگی خود در چین به بافت اجتماعی، فرهنگی و همچنین به ساختار سیاسی هر کشور توجه کنیم، چراکه سیاست، دیپلماسی و به‌خصوص در دیپلماسی فرهنگی میان سوژه و ابژه رابطه‌ای برقرار است و قدرت نیز نه یک سرمایه در دست یک بازیگر، بلکه خود یک کنش در نظر گرفته می‌شود.

لذا بدیهی به نظر می‌رسد که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید رویکرد، موضوعات و محصولات خود را براساس آنچه که مردم جهان نیاز دارند و متناسب با بافت ذهنی و روانی آنهاست تنظیم کند و در اولویت خود قرار دهد. اینکه آداب و رسومی بنا به صرف تاریخی یا باستانی بودن برای همه جذاب خواهد بود خطاست. هر کشوری که می‌خواهد قدرت نرم و نفوذ خود را در نظام بین‌الملل و کشور هدف خود افزایش دهد، باید راهبرد و سیاست‌های خود را براساس دغدغه‌ها و منافع کشورهای دیگر تهیه و تنظیم کند. ایران بنا به فرهنگ، تاریخ کهن و امپراطوری خود در طول ادوار تاریخ، نکات و پیشنهادات جهانشمول بسیاری برای جهان دارد. امروزه فرهنگ‌های بومی و ملی برای مردم جهان جذاب هستند، اما نه به اندازه فرهنگ‌هایی که جنبه جهان‌شمولی را در خود دارند.

بر این اساس گروهی از آگاهان سیاست بین‌الملل بر این عقیده‌اند که بدون تکیه بر تجارب تاریخی نمی‌توان پیشاپیش به تحلیل و ارائه نظریه‌ای درباره روابط بین‌الملل مبادرت کرد، زیرا تکرار برخی از رویدادهای تاریخی محقق را و می‌دارد تا به طبقه‌بندی انواع مختلف روابط سیاسی بپردازد و راه را برای استخراج ویژگی‌های عمومی رفتار دولت‌ها هموار کند (پارمار و کاکس، ۱۳۹۰: ۷۹).



#### ۴- آینده‌شناسی ساختار سیاسی چین؛ دیپلماسی اولیه و ثانویه

برای آینده چین چند احتمال به نظر می‌آید:

- فروپاشی چین بعنوان مهمترین کشور کمونیستی در جهان؛

- تغییر و بازسازی حوزه سیاسی چین از انحصاری حزب کمونیست به نظام دموکراتیک؛

- ادامه روند کنونی چین با اقتصاد آزاد و حاکمیت حزب کمونیست؛

- تبدیل شدن چین به پایگاهی برای آمریکا پس از استقرار دموکراسی در چین.

در مورد احتمال اول از این جهت ادعا می‌شود که نسل‌های بعدی رهبران چین توان اداره کشور را با پیچیدگی‌هایی که برای آن پیش خواهد آمد، نخواهند داشت. فرزندان رهبران حزب کمونیست که غالباً در دانشگاه‌های غرب تحصیل می‌کنند و در فرهنگ غربی پرورش می‌یابند، ساده‌ترین راهکار در مواجهه با مشکلات را تجربه‌های غربی خواهند دانست و در برابر دشواری‌هایی که بر سر راه چین خواهد بود، وادادگی را انتخاب خواهند کرد. نسل جوان تحصیل کرده چین، به‌خصوص جوانان تحصیل کرده غرب و حتی ژاپن برای عدم مشارکت سیاسی و اجتماعی در چین احساس حقارتی را با خود حمل می‌کنند و اکثر معترضان به ساختار سیاسی چین همین دانشجویان و طبقه متوسط یا نخبه هستند. چین به شدت دچار معضل درگیری‌های قومیتی است که جزء با خودمختاری و دموکراسی امکان حل و فصل آن وجود ندارد. به این ترتیب چین به ناگهان یا به تدریج وارد راهی می‌شود که پس از گذار آن چیزی از نشانه‌های کمونیست در آن نخواهد بود.

در مورد احتمال دوم، از این بابت جدی و قابل اعتنا است که طبقه شهری چین ناراضی‌تری زیادی از بابت پدیده‌هایی چون رانت‌خواری، فساد اقتصادی، مواد مخدر و طبقه فقیر شهری دارد و این معضلات در پیوند با مشکلات مناطق روستایی چین که اعم از ناراضی‌تری، سطح پایین بهداشت عمومی و افزایش بیکاری است، بقای حزب کمونیست را دچار چالش خواهد کرد و چین باتوجه به نفوذ فرهنگی و توسعه اجتماعی در طی دو دهه اخیر، به سمت دموکراسی خواهد رفت و مطالبات از عرصه اجتماعی به سیاسی گسترش خواهد یافت. احتمال سوم بر این پایه استوار است که حزب کمونیست چین با استفاده از تغییرات و بکارگیری روش‌های نوین در اداره کشور در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی همچنان پابرجا بماند. این احتمال چندان دور از ذهن نیست و بخشی از رهبران جدید حزب نگرش‌هایی چون کاهش کنترل رسانه‌ای، کاهش نظارت و فشارهای امنیتی و محدود شدن اعمال کنترل اجتماعی و مذهبی را دارند و معتقدند که حزب کمونیست تنها با این اصلاحات می‌تواند به وجود خود ادامه دهد.

احتمال چهارم که براساس پیش‌بینی‌ها و مطالعات نگارنده مطرح شده است، استدلال می‌کند که اگر چین به سمت دموکراتیک شدن برود و نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اداره کشور توجه شود، آنگاه بنابه دلایلی چون تسلط و تجربه آمریکا و رسانه‌ها و دستگاه تبلیغاتی آن در جهت‌دهی به نظر و افکار عمومی از یکسو و دیگر سو ضعف رسانه‌های چینی در این زمینه و همچنین جذابیت سبک زندگی آمریکایی برای مردم جهان و به‌خصوص جوانان چینی، آمریکا به راحتی حوزه عمومی و سپس حاکمیتی چین را در اختیار خواهد گرفت.

لذا برای بهره‌برداری هرچه بهتر از فعالیت‌های فرهنگی در چین باید به حال و آینده چین نگاهی داشت. بنابه نظر کارشناسان، آینده‌شناسان و همچنین بررسی‌های پژوهش حاضر، چین احتمالاً طی یک یا دو دهه آینده دولت دموکراتیک را تجربه خواهد کرد؛ همانطور که در کنگره هفدهم حزب کمونیست چین نیز، دو بحث مهم مطرح شد. یکی برداشتن گام‌های نخست دموکراسی و دیگری ورود نسل پنجم رهبران به دفتر سیاسی حزب بوده. زیرا جامعه چین به سرعت در حال رشد و پیچیده‌تر شدن است و طبیعتاً به حکومتی نیازمند است که متناسب با آن باشد. لذا در این کنگره دموکراسی دورن حزبی از سوی رهبران مطرح شده است که منظور از آن کنترل و نظارت در درون حزب است (چگینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۲).

## ۵- عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی چین

جهت بررسی دقیق و واقع‌بینانه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در چین و طراحی مدل مطلوب برای آن، در این پژوهش می‌بایست در سه سطح جمهوری خلق چین را مورد مطالعه قرار داد. سطح نخست عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی چین که با زیرنظر گذراندن ارزش‌ها و گرایش‌های افراد تأثیرگذار و دخیل در سیاست خارجی ممکن است. سپس نهاد و گروه‌های تأثیرگذار و تصمیم‌گیر و در سطح نهایی نیز مطالعه دولت‌ها و تعاملات میان آنها را در دستور کار قرار داد که در این مورد جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین مطرح هستند.

مطالعه عوامل تأثیرگذار و تصمیم‌گیر در سیاست خارجی از این جهت مهم است که تحت هر شرایطی و موقعیتی این افراد هستند که برای سیاست‌های خارجی یک کشور تصمیم می‌گیرند. افراد نیز براساس موقعیت و گذشته فرهنگی، اجتماعی و ارزشی خود دخالت می‌کنند و البته هر فرد در راستای تجربیات و روش‌های تفکر خود تصمیم اتخاذ می‌کند. لذا قطعاً در هر کشور، دولت و حتی گروه سیاسی، افراد ممکن است در نسبت باهم متفاوت فکر کنند. برای مثال در تجربه جمهوری اسلامی ایران با فدراسیون روسیه، با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین و حزب روسیه متحد روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور همواره در جهت مطلوب شدن قرار گرفت. در مورد چین نیز باید با شناخت افراد تأثیرگذار و به‌خصوص

افرادی که در سیاست خارجی چین حضور قابل اعتنا دارند، مورد هدف و مخاطب دستگاه فرهنگی و انجمن‌های دوستی ایران و چین قرار گیرند. جدای از افراد، سازمان و ساختار تشکیلات آن قطعاً اساس تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌هاست که افراد براساس آن اصول و اهداف مشخص وارد سازمان شده و گردهم می‌آیند. سازمان ضمن فرصت‌ها و بسترهای خاص خود برای بروز افراد، محدودیت‌هایی نیز برای آنها دارد، که دستورالعمل‌ها و تقسیم کار و ... هست.

دیپلماسی فرهنگی ایران در چین در شبکه‌ای محدود رقم خواهد خورد. شبکه‌ای محدود از مخاطبان نخبه و تأثیرگذار در چین که بنابه ضرورت یا نیاز از آنها بهره‌برداری می‌شود. چین امروز هیچ تصمیم‌محورانه‌ای، هیجانی و افراطی اتخاذ نمی‌کند و در عین حال دارای احساسات و غرور ملی، بیگانه‌پذیری و عقل‌محور است. لذا ایران که چندان با چین بیگانه محسوب نمی‌گردد، می‌تواند با یک راهبرد دیپلماسی فرهنگی نخبگانی بر تصمیمات چین در مورد خود تأثیرگذار و بطور غیرمستقیم برای بلندمدت نیز بر مردم چین تأثیر داشته باشد. باتوجه به ساختار کنونی جمهوری خلق چین پیداست که جمهوری اسلامی ایران نباید و نمی‌تواند در دیپلماسی فرهنگی خود در قبال چین، رویکرد عمومی داشته باشد. چراکه اولاً با سد و مانع قانونی دولت چین مواجه شده و دوماً، به این ترتیب نمی‌تواند به منافع خود در چین دست یابد و پاسخ زحمات و کاشت بذر خود را دریافت کند. دولت چین یک ساختار بسته و ثابت دارد و الگوی توسعه چین - یا به اصطلاح اجماع ۸۵ پکن که در آن یک اقتصاد بازار لیبرال زیرنظر یک نظام سیاسی اقتدارگرایانه‌ای قرار دارد (مینگ جینگ لی، ۱۳۹۰). که آراء و نظرات مردمی در سیاست‌ها و انتخاب افراد و چرخش قدرت هیچ انعکاس و تأثیری ندارد. لذا اگر هدف و مخاطب دیپلماسی فرهنگی مردم باشند، پس از منعکس نشدن آن دولت چین، باید با دیپلماسی فرهنگی ناکارآمدی با همه هزینه‌ها و منابع آن مواجه شد که هیچ تأثیری در تأمین منافع ملی و نگرش مقامات چینی به ایران نشده است. پس در رابطه خاص با چین در راهبردی کوتاهمدت باید از مدل مستقیم اعمال قدرت نرم بهره گرفت. یعنی با استفاده از منابع قدرت بطور مستقیم بر نخبگان دولت تأثیر گذاشته و بر تصمیمات آنها در مورد جمهوری اسلامی ایران اثرگذار باشیم. برای دستیابی به این هدف می‌توان از یکی از موثرترین روش‌های دیپلماسی فرهنگی یعنی ترویج، تعریف و تبیین منافع کشور هدف در کشور مبدا است بهره گرفت. به این نکته که اساتید یا پژوهشگران و مولفانی در کشور هدف مانند چین، در آثار خود منافع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چین را در نسبت با ایران و روابط با آن شرح داده و گفتمان‌سازی می‌کنند. لذا جمهوری اسلامی ایران می‌بایست اساتید و پژوهشگران علاقه‌مند به خود یا گفتمان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شیعه را در چین شناسایی کرده و با تعامل پیوسته با آنها اهداف دیپلماسی فرهنگی و سیاست خارجی خود را دنبال کند. این مخاطبان می‌توانند اساتید علاقه‌مند به زبان فارسی یا دانشجویان،

پژوهشگران علاقه‌مند به گفتمان اسلام و تشیع، تاریخ‌پژوهان علاقه‌مند به تمدن و فرهنگ باستانی ایران یا افراد علاقه‌مند به گفتمان و آرمان‌های انقلاب اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشند.

## ۶- انگاره‌های رهبران چینی در مورد ایران

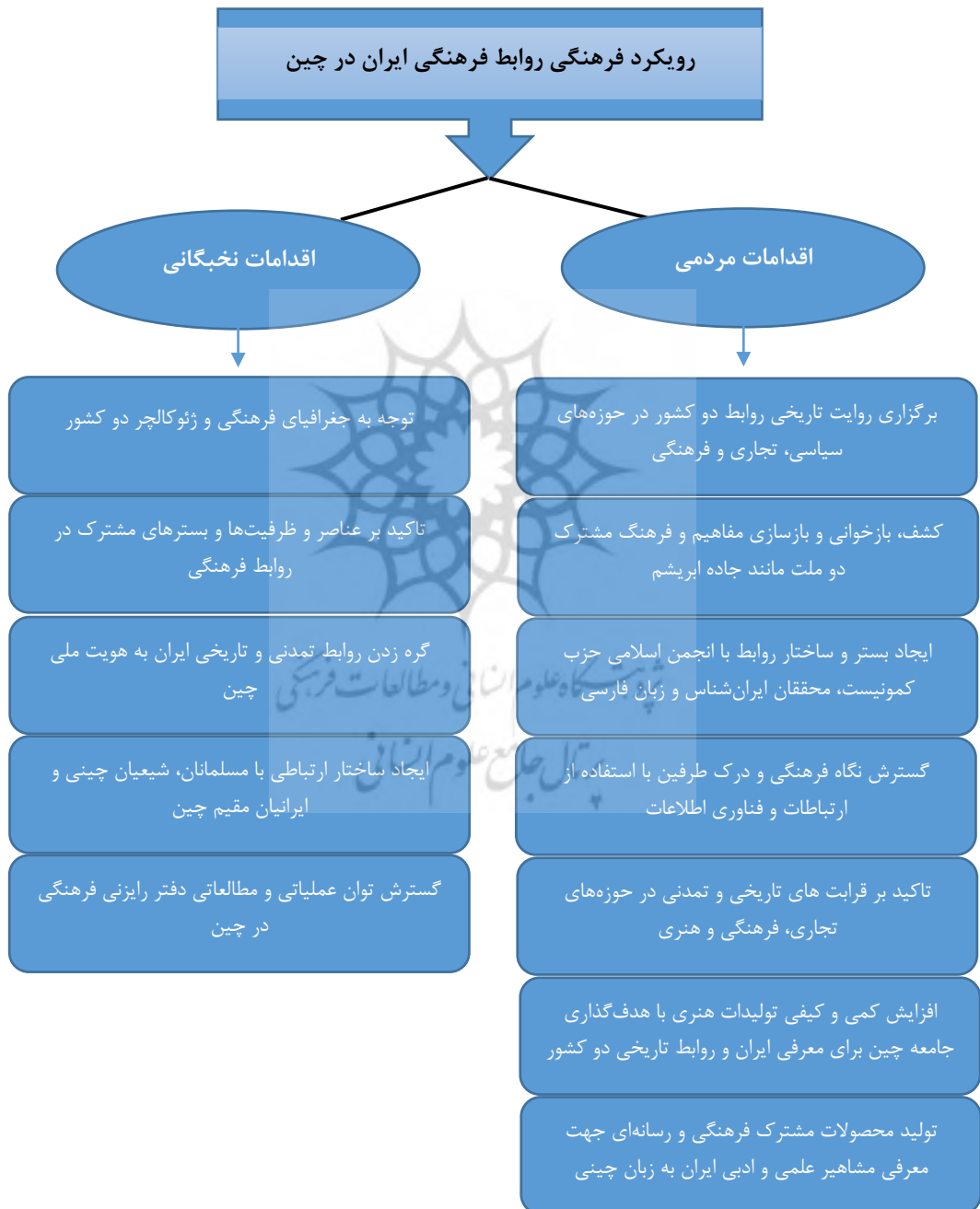
در اثر نفوذ و گسترش فرهنگ و انگاره‌های غربی در چین شاهد شکاف نسلی به لحاظ فرهنگی، سبک زندگی و عقیدتی میان نسل گذشته و نسل کنونی هستیم. نسل جدید در چین با فرهنگ و الگوهای غربی رشد کرده و برای آن بسیار جذاب است که براساس مدل‌های غربی زندگی کند و این روند و تغییر موجب بسیاری از اختلافات، درگیری‌ها و نزاع فکری و عملی در چین شده است. فرهنگ غربی باعث تنزل اتحاد قومیت‌ها، گروه و اقلیت‌های چینی شده است. کاریزمای رهبری در میان رهبران چین به تدریج در حال افول است و رهبری مشارکتی نیز به همان نسبت در حال ظهور است. شهرنشینی و مهاجرت به شهرها، رفاه نسبی مردمی، دسترسی به اطلاعات و گسترش رسانه‌ها در چین و میزان گسترده اعزام بورسیه‌های تحصیلی چین به غرب، همگی نوید حرکت چین به دموکراسی را می‌دهد. بسیاری معتقدند که افراطی‌گری انقلابیون و سیاست‌های انقلاب فرهنگی در چین باعث این فاصله نسل‌های بعدی چین در نسبت با فرهنگ و کشور شده است.

لذا ایران نیز بعنوان یک کشور مدعی روابط مطلوب با چین باید برای آن شرایط خود را آماده و جزء اولین کشورهایایی باشد تا با این تغییر مهم در چین واکنش و مواجهه درست انجام می‌دهد. چینی‌ها در حال حاضر درک درستی نسبت به ایران و سیاست‌های آن ندارند. آنها ایران را همچنان غرب زده و مشتاق ایجاد رابطه نزدیک با غرب می‌دانند. عده‌ای نگران‌اند که ناگهان تبدیل به متحد آمریکا در منطقه شده و دولت مطمئنی برای چین نخواهد بود. آنها می‌دانند که افکار عمومی ایران و حتی بخش قابل توجهی از نخبگان ایران نسبت به چین دید مثبتی ندارند و قدرت او را باور نکرده‌اند. لذا می‌توان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر تغییر مثبت دیدگاه نخبگان ایران و چین به یکدیگر را اعتمادسازی هرچه بیشتر میان آنها دانست. این اعتمادسازی زمینه لازم برای گسترش و تعمیق روابط دو کشور در تمامی عرصه‌ها را فراهم می‌آورد (صفری، ۱۳۹۴: ۲۴۹). و دیپلماسی فرهنگی با رویکرد نخبگانی ایران در چین یکی از بهترین راه‌ها برای جلب‌نظر و اعتمادسازی نخبگان و تصمیم‌سازان چینی در مورد ایران و سیاست‌های آن است.

## ۷- رویکردهای مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال چین

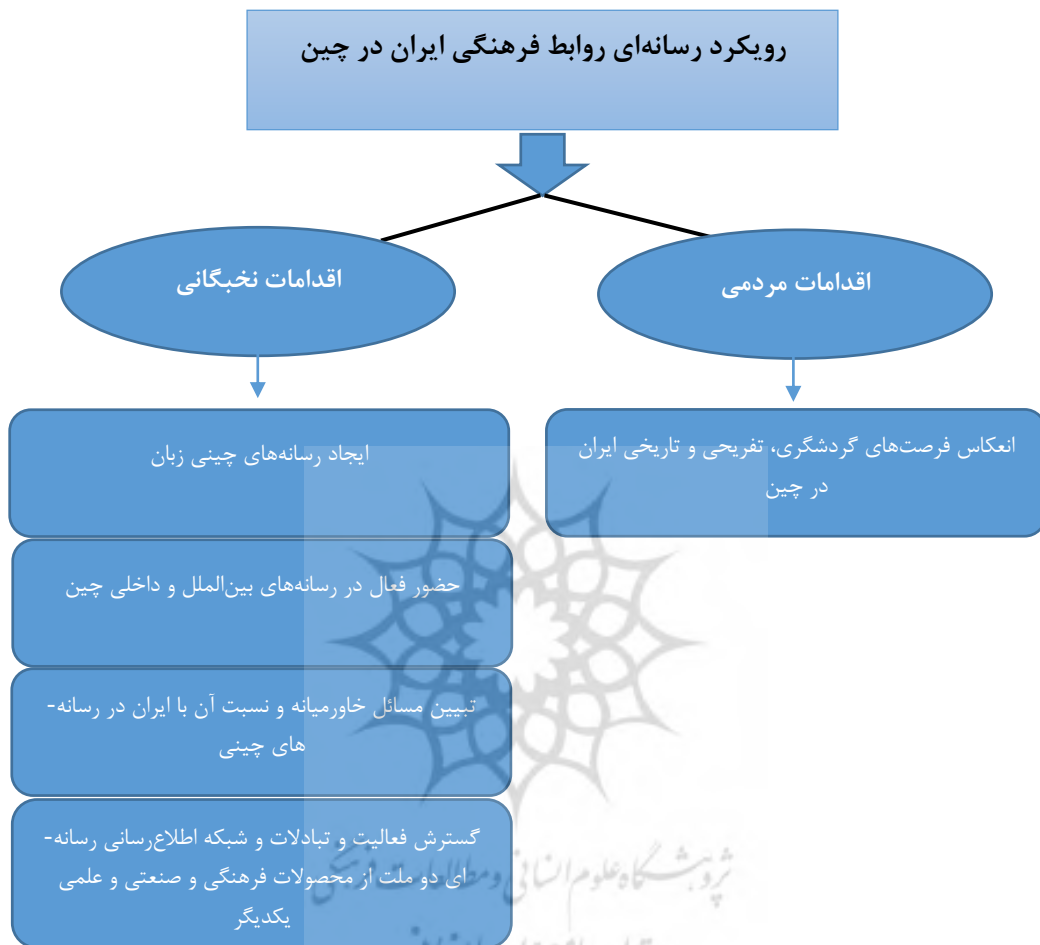
### ۱-۷- فرهنگی

شکل ۱) رویکردهای فرهنگی دیپلماسی فرهنگی اسلامی ایران در قبال چین



۲-۷- رسانه‌ای

شکل ۲) رویکردهای رسانه‌ای دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال چین

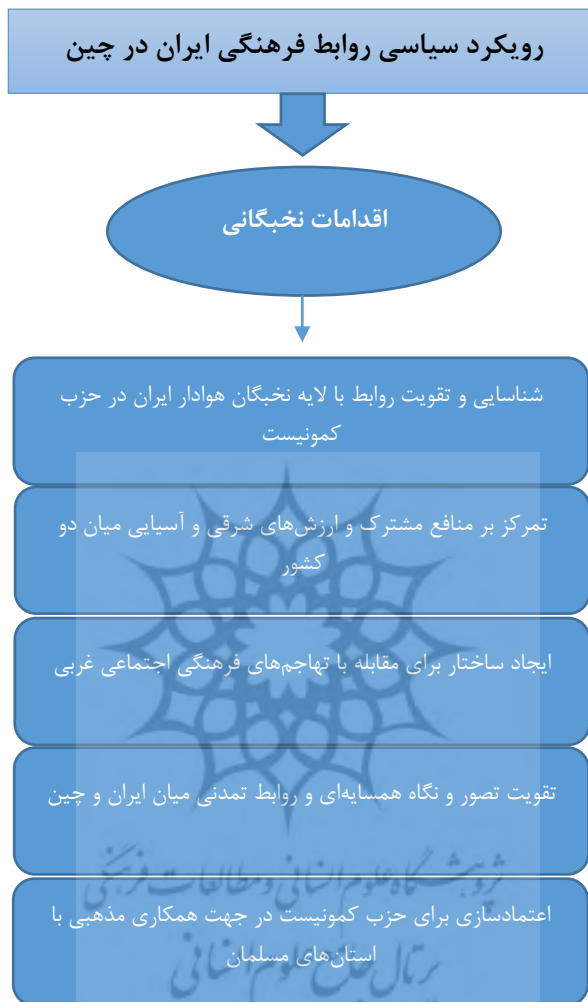


## ۷-۳- علمی

شکل ۳) رویکردهای علمی دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال چین

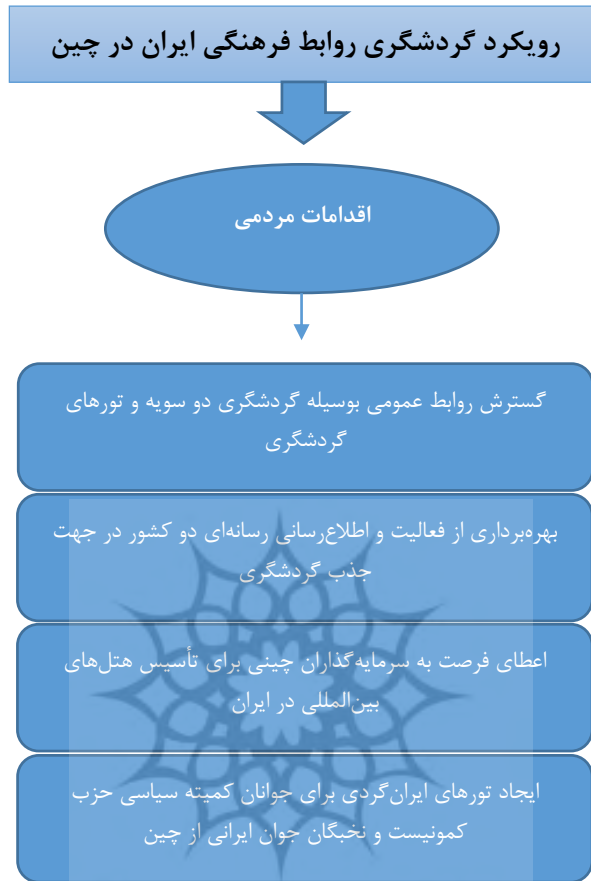


شکل ۴) رویکردهای سیاسی دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال چین





## شکل ۵) رویکردهای گردشگری دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال چین



## نتیجه‌گیری

تقویت دیپلماسی فرهنگی بهترین راهبرد برای دفع چالش‌های میان روابط ایران و چین محسوب می‌شود. اما از آنجاکه چین نظامی دموکراتیک ندارد، دیپلماسی فرهنگی در قبال چین قطعاً بطور کامل در چارچوب دیپلماسی عمومی تعریف نشده و می‌بایست رویکردهای نخبگانی و سنتی دیپلماسی مدنظر قرار گیرد. بر این اساس مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال چین در دو مدل اولیه و ثانویه پیشنهاد می‌شود که باتوجه به ساختار سیاسی کنونی چین و احتمالاً حرکت آن در جهت دموکراسی در آینده طراحی و پیگیری خواهد شد. منظور از گام اول چشم‌انداز زمانی دیپلماسی فرهنگی باتوجه به ساختار سیاسی چین است که می‌بایست به سمت نخبگان، دانشجویان، اساتید دانشگاه، اعضای حزب کمونیست، شرق‌شناسان و

ایران‌شناسان، انجمن اسلامی حزب کمونیست و شخصیت‌های سیاسی در حزب کمونیست جهت پیدا کند، که احتمال می‌رود در آینده به مناسب سیاسی دست پیدا کنند.

مرحله دوم نیز به توجه و آمادگی ایران برای تغییرات دموکراتیکی که ممکن است در آینده چین رخ دهد و نقش مردم در سیاست و تصمیمات چین پررنگ‌تر شود اشاره دارد. احتمال و گمانه‌زنی‌هایی از جانب آینده-شناسان و تحلیل‌گران مسائل چین وجود دارد که چین طی دو یا سه دهه آینده بنا به دلایلی چون گسترش رفاه و سطح زندگی، تقویت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، اعزام دانشجویان برای بورس تحصیلی به غرب و مهم‌تر از همه توسعه اقتصادی و اجتماعی چین و همچنین افزایش قدرت منطقه‌ای و جهانی آن؛ که برای حفظ این قدرت نیازمند به یک نظام و حکومت قوی هست، دموکراسی را تجربه خواهد کرد. این روند از درون حزب کمونیست تحت عنوان نظارت بر فعالیت‌های حزب آغاز شده و در هفدهمین کنگره سراسری حزب کمونیست خلق، چین خود اصل دموکراسی درون حزبی و نظارت درون حزبی را مطرح و دنبال کرده است.

نکته بسیار مهمی که در اجرای هر دو گام مطرح شده و باید آن را مورد عنایت قرار داد و جدی گرفت، بحث شناخت نسبت به چین و حوزه‌های مختلف آن است. آنچه که ما از چین می‌دانیم نه شناخت، که به قول فوک آشنایی با چین است. با این سطح از آشنایی نمی‌توان راهبردی را مطرح و به اجرا در آورد یا روابط راهبردی را رقم زد.

## فهرست منابع

### فارسی:

- ۱- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۴)، درآمدی بر روابط راهبردی چین و ایران، تهران: نشر مخاطب.
- ۲- پارمار، ایندرجیت و کاکس، مایکل (۱۳۹۰)، قدرت نرم و سیاست خارجی ایالات متحده، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳- جوادی ارجمند، محمدجعفر و دیگران (۱۳۹۱)، «دپلماسی فرهنگی ایران در عراق و چشم‌انداز آینده در روابط دو کشور»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، س ۴، ش ۳.
- ۴- چگینی‌زاده، غلامعلی (۱۳۸۶)، «چین در حال ظهور؛ سناریوهای محتمل»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، س ۹، ش ۲۳.
- ۵- سجادی‌پور، کاظم (۱۳۹۱)، سیاست خارجی و دنیای پر تلاطم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۶- شامیری شکفتی، افشین (۱۳۹۷)، سیاست خارجی چین، چ ۱، تهران: انتشارات جوینده.

- ۷- شی جین، پینگ (۱۳۹۴)، «چشم‌انداز روشن روابط چین و ایران»، **خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران**.
- ۸- صفری، مهدی (۱۳۹۴)، **نگاه نخبگان ایرانی و چینی به روابط دو کشور**، گردآوری: حسین عسگریان، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۹- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۸)، **اندیشه سیاسی چین باستان**، چ ۱، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۰- علمایی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، **بررسی روابط اقتصادی ایران با چین و ارائه سازوکارهای بسط و ارتقاء روابط**، گردآوری: حسین عسگریان، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۱۱- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲- قاضی‌زاده، شهرام و طالبی‌فر، عباس (۱۳۹۰)، **مناسبات راهبردی ایران و چین**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۳- هنری، کیسینجر (۱۳۹۸)، **چین، ترجمه: حسین راسی**، چ ۲، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- ۱۴- مینگ، جینگ لی (۱۳۹۰)، **قدرت نرم چین**، ترجمه: عسگر قهرمان‌پور بناب، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

## لاتین:

۹۳

- 15- Fu, Wen- and others (2017). Academic e-Book Publishing in China: An Investigation of Current Status and Publishers' Attitudes. *The Journal of Academic Librarianship*. 44. 10.1016/j.acalib.2017.12.008.
- 16- Mozias, Petr. De Conti, Bruno (2019). Belt and road initiative: challenges and opportunities for China and for the world. *Texto para Discussão*, 366, 1\_24
- 17- site center of statista, 2021. URL: <https://www.statista.com/statistics/226982/number-of-universities-in-china/>
- 18- <https://www.ceicdata.com/en/indicator/china/direct-investment-abroad>
- 19- <https://hotingfacts.com/internet-facts-stats/>